

دوستی که «تا» ندارد

درس دوم: وفادار در غم و شادی



درس دوم: وفادار در غم و شادی

خوش آمدگویی

۳ دقیقه

با خوش آمدگویی گرم و صمیمی همراه با لبخند با عزیزان روبرو شوید. اگر شخص جدیدی بعنوان نو ایمان یا مهمان برای اولین بار در این جمع حضور داشت خوش آمد مخصوص در نظر گرفته شود، بطور مثال شخص جدید را به نام در جمع معرفی کنید و از نوجوانان بخواهید تا خود را یک به یک معرفی کنند و به او خوش آمد بگویند.

گپ و گفتگوی خودمانی

۱۰ دقیقه

در این مرحله می توان از نوجوانان اینطور سوال کرد که در هفته گذشته چه چیزی در زندگی شما اتفاق افتاد که مطرح کردنش در جمع باعث برکت میشود و از او بخواهید تا آن را با سایر نوجوانان در میان بگذارد.

مروری بر تعلیم هفته گذشته

در انتهای تعلیم هر جلسه، نوجوانی را انتخاب کنید و از او بخواهید که مانند یک معلم، خلاصه تعلیمی را که گرفته است، در ابتدای جلسه بعد، به مدت ۵ دقیقه با دیگران در میان بگذارد. در این فرصت ۵ دقیقه ای از او بشنوید. (پیشنهاد میشود که از همه نوجوانان در این قسمت استفاده شود و برای بهتر شدن و تشویق آنها، بعد از هر جلسه با آن نوجوان تماس بگیرید و نقاط قوت و همینطور نقاطی را که اگر رعایت کند نحوه تعلیم او بهتر میشود، در کمال محبت به او بگویید.)

هدف از این بخش، مروری بر جلسه قبل و همینطور بالا بردن اعتماد بنفس نوجوانان برای صحبت کردن در جمع میباشد و به مربی نوجوانان در شناخت عطایای آنها نیز کمک میکند.

تکلیف عملی هفته گذشته از یوحنا باب ۱۱ آیات ۱۷ تا ۴۴ را با نوجوانان خود بررسی کنید و از چند نوجوان بخواهید تا جواب هایشان را با جمع در میان بگذارند.

حدس زدن موضوع تعلیم

۱۰ دقیقه

دو شعر در مورد دوستی در فایل مخصوص نوجوانان قرار گرفته است (صفحات ۶ و ۷) که در هر کدام سه شخصیت وجود دارد (راوی، کاج اول و کاج دوم)

چند ساعت قبل از شروع جلسه، از شعرها اسکرین شات تهیه کنید و برای شش نفر از نوجوانان به انتخاب خودتان ارسال کنید و از آنها بخواهید که بخش مربوط به خودشان را قبل از جلسه تمرین کرده و با انجام حرکات بدنی، تن صدا و لحن مناسب (دقیقا مانند تئاتر)، زمانی که به این بخش رسیدید آن را اجرا کنند و در پایان، از این دو داستان نتیجه گیری کرده و موضوع تعلیم را حدس بزنند.

توجه کنید که این بخش هم برای جلسات حضوری و هم جلسات اینترنتی قابل اجراست.

- ۱- به نظر شما یک دوست خوب و واقعی در چه شرایطی باید در کنار شما باشد؟
- ۲- (با توجه به جواب سوال اول) آیا شما دوست واقعی دارید؟ و یا برای کسی دوست واقعی بوده اید؟
- ۳- به نظر شما بودن در شرایط سخت و دشوار در کنار دوستان راحتتر است یا شرایط خوشحالی و شادی؟ چرا؟

۱۰۰-۵ دقیقه تعلیم

وفاداری چیست؟

وفاداری یک فاکتور مهم و ضروری در دوستی و یکی از ارزشمندترین ویژگی‌های دوستی واقعی است. یک دوست واقعی وفادار است و عیار این وفاداری در سختی و بحران مشخص میشود. اگر بخواهید شخصی وفادار باشید، دیگر نمیتوانید فقط برای خودتان زندگی کنید.

افراد وفادار نه تنها بر سر قول‌ها و تعهدات خود می‌ایستند بلکه حاضرند بخاطر آنها رنج ببینند. افراد وفادار دوستانی قابل اعتماد و قابل اتکا هستند. آنها در شادی‌ها و روزهای آرام زندگی و از آن مهمتر، در شرایط سخت و بحرانی، در کنار دوست خود می‌ایستند.

گفتگو:

با توجه به تعریف وفاداری :

آیا تابحال از دوستان خود بی وفایی دیده اید؟ بطور مختصر احساس خودتان را در آن شرایط توضیح دهید؟
آیا تا بحال شده نسبت به دوستانتان بی وفایی کنید؟ به نظر شما دلیل این که نتوانستید در کنار او وفادار باشید چه چیزی هست؟

خیلی وقتها در روابطمان از بی وفایی‌ها رنج میکشیم و ضربه میخوریم. غافل از اینکه خودمان هم گاهی بی وفایی میکنیم و به دیگران ضربه میزنیم. حتی گاهی در رابطه مان با خدا بی وفا می شویم و نتیجه این بی وفایی درد و زحمت برای خودمان می گردد. این به این دلیل است که ما انسان‌ها در دنیای سقوط کرده زندگی میکنیم.

اما در مزمور ۱۱۷ آیه ۲ کلام خدا اینطور میفرماید :

زیرا که عظیم است محبت او به ما، و جاودانه است وفاداری خداوند.

پس خدای ما خدای وفاداری هست که این وفاداری او وابسته به شرایط نیست و جاودانه میباشد.

سوال: پس آیا فقط باید وفاداری را در خداوند پیدا کنیم و قید یک رابطه دوستی وفادارانه را بزنیم؟

جواب: مسلماً جواب منفی هست. کتاب مقدس در مورد دوستی‌های وفادارانه مثال‌ها و الگوهای بسیاری برای ما آورده است که در این جلسه یکی از آنها را بررسی میکنیم تا از این رابطه ی دوستی وفادارانه الگو بگیریم.

کتاب مقدس چه میگوید؟

یکی از نمونه‌های عالی از رابطه دو دوست در کتاب مقدس که در شرایط سخت و آسان، در غم و شادی، کنار هم بودند رابطه داوود و یوناتان است. همانطور که میدانید یوناتان پسر شائول، پادشاه آن زمان بود. اما چون شائول فرمان خداوند را زیر پا نهاد، خداوند شخص دیگری را برای پادشاهی انتخاب کرد که آن شخص داوود بود. زمانی که داوود از جنگ با جلیات برمیگردد و نزد شائول میرود اولین ملاقات یوناتان و داوود صورت میگیرد. کلام خدا در اول سموئیل باب ۱۸ آیه ۱ تا ۳ در مورد ملاقات یوناتان و داوود اینطور میفرماید:

چون داوود از سخن گفتن با شائول فارغ شد، دل یوناتان به دل داوود چسبید، و یوناتان داوود را همچون جان خویش دوست می‌داشت. آن روز، شائول داوود را گرفته، نگذاشت به خانه پدر خود بازگردد. و یوناتان با داوود پیمان بست، زیرا او را همچون جان خویش دوست می‌داشت.

پس میبینیم که دوستی و رابطه عمیقی بین داوود و یوناتان شکل میگیرد. یوناتان داوود را همچون جان خویش دوست میداشت. جالب است بدانید که طبق رسوم آن زمان پسر جانشین پدر میشد. در واقع یوناتان باید جانشین شائول میشد و به پادشاهی میرسید ولی بخاطر اشتباهاتی که پدرش انجام داد، خداوند داوود را برای پادشاهی انتخاب کرد. ولی در دل یوناتان ذره ای حسادت نسبت به این موضوع وجود نداشت. زیرا میدانست داوود انتخاب شده خداوند است.

اما شائول نسبت به داوود سوء ظن پیدا کرده و به اوحسادت ورزید، حتی تصمیم گرفت داوود را به قتل برساند و به یوناتان و همه خدمتگزاران خود فرمان داد تا داوود را بکشند.

در کتاب اول سموئیل باب ۱۹ آیات ۴ و ۵ صحبت یوناتان با پدرش شائول در مورد داوود را میخوانیم:

پس یوناتان نزد پدرش شائول از داوود به نیکی یاد کرد و گفت: «مباد که پادشاه نسبت به خدمتگزار خود داوود گناه ورزد، زیرا او به تو گناهی نورزیده، و اعمالش جز نیکویی چیز دیگری برایت در پی نداشته است. او جان بر کف نهاده، آن فلسطینی را کشت، و خداوند نجاتی عظیم برای تمامی اسرائیل به عمل آورد. تو آن را دیدی و شادمان شدی. پس حال چرا می‌خواهی نسبت به شخصی بی‌گناه خطا ورزی و داوود را بی‌سبب بکشی؟

شائول بعد از شنیدن سخنان پسرش از کشتن داوود صرف نظر کرد البته به طور موقتی!

در باب ۱۹ و ۲۰ کتاب اول سموئیل میبینیم که شائول پادشاه دوباره قصد جان داوود را دارد و یوناتان، داوود را از تصمیمی که پدرش گرفته است آگاه میکند. بنابراین داوود در جشنی که شائول ترتیب داده شرکت نمیکند و خود را در صحرا پنهان میکنند.

کتاب اول سموئیل باب ۲۰ آیات ۲۴ تا ۴۲ را با هم بخوانیم.

یوناتان نمونه درخشانی از یک دوست وفادار در شرایط سخت و بحرانی زندگی داوود است.

او بعضی اوقات مجبور میشد بین دو وفاداری قرار بگیرد، وفاداری به پدرش شائول یا به دوستش داوود. در واقع یوناتان در تضادی بین وفادار ماندن به پدر و وفادار بودن به دوستش قرار داشت.

گفتگو:

اگر شما به جای یوناتان بودید چه میکردید؟ بین وفاداری به کسی که برایتان بسیار با ارزش است (پدر، مادر) و وفاداری نسبت به راستی و حقیقت (هر چند رابطه ای مثل پدر و مادر با ما نداشته باشد)، کدام را انتخاب میکردید؟

به نظر شما یوناتان چه راه حلی برای رویارویی با این تضاد در پیش گرفت؟

یوناتان چگونه بین وفادار ماندن به پدر خود و دوست خود، راه درست را انتخاب کرد؟

بررسی راهکار یوناتان:

راه حلی که او در این تضاد در پیش گرفت به ما تعلیم میدهد که:

اولا چگونه وفادار باشیم.

دوما وفاداری ما باید تحت تاثیر چه چیزی باشد.

در زندگی یوناتان :

(وفاداری، همیشه تحت تاثیر حقیقت قرار داشت.)

یوناتان میدانست که منبع حقیقت خدا است و نهایتاً او است که از انسان انتظار وفاداری دارد. این رابطه یوناتان با خدا بود که به او توانایی داد به شکل موثری از پس شرایط سخت بر آید.

او به شائول وفادار بود چون شائول پدر و پادشاهش بود، به داوود نیز وفادار بود چون دوستش بود.

اما وفاداری او به خدا، هدایت کننده و رمز موفقیت او در این مسیر بود. یوناتان چون به خدا وفادار بود توانست بین وفاداری به پدرش و وفاداری به دوستش، مسیر درست را انتخاب کند. او موفق شد که احساسات خود را به درستی مدیریت کرده و بخاطر علاقه ایی که به پدرش داشت، حقیقت را زیر پا نگذارد. او در این جریان به کسی وفادار ماند که میدانست از جانب خداوند انتخاب شده و با اینکار در واقع وفاداری خود را به خدا نشان داد.

ما هم مانند یوناتان ممکن است در این تضادها قرار بگیریم و فشارهای زیادی در نتیجه روابطه مان با افراد مختلف بر ما وارد شود و برای ما چالش بزرگی باشد.

سوال: این قسمت چه کاربردی برای زندگی ما دارد؟

جواب: اگر بکشیم این تضادها را در سطح انسانی حل و فصل کنیم، دائماً با حس خیانت درگیر خواهیم بود، ولی اگر ما به دوستانمان بفهمانیم که وفاداری نهایی ما به خدا و حقیقت او است، بسیاری از انتخابهای ما به مراتب شفاف تر خواهد بود. آیا نزدیکترین کسان شما میدانند که شما به چه کسی بیش از همه وفادار هستید؟

درسهایی از رابطه دوستی یوناتان و داوود:

- ۱- وفاداری یکی از پر بهاء ترین ویژگی های دوستی واقعی است.
- ۲- وفاداری به خدا باعث میشود که دوستی های ما در مسیر درست پیش برود.
- ۳- دوستی های بزرگ بسیار ارزشمندند، مانند هدیه ایی از جانب خدا میباشند، ما با نشان دادن وفاداری در دوستی هایمان در واقع از این هدیه ایی که خدا به ما بخشیده است، سپاسگزاری میکنیم.
- ۴- دوست حقیقی وفاداریش در سختی ها مشخص میشود.

نتیجه گیری :

کلام خدا در رساله دوم تیموتائوس باب ۲ آیه ۱۳ اینطور میفرماید:

اگر بی وفا شویم، او وفادار خواهد ماند، از آن رو که خویشتن را انکار نتواند کرد.

در این آیه میبینیم که وفاداری در ذات خداوند است و برای خدا، وفاداری عمل است نه عکس العمل. حتی زمانی که ما بی وفایی میکنیم و یا زمین خورده ایم و مستحق این هستیم که خدا از ما دور شود، اما خداوند از ما دور نمیشود، خدا ما را در بحرانها تنها نمیگذارد. پس ما نیز با نگاه کردن به خدا باید یاد بگیریم که در زمانهای بحران و سختی در کنار دوستانمان بایستیم و دوستی را همچون هدیه ایی از جانب خداوند بدانیم.

مزمور ۱۱۷ آیه ۲

زیرا که عظیم است محبت او به ما و جاودانه است وفاداری خداوند.

از نوجوانان بخواهید که اگر علاقه دارند مانند یوناتان و داوود دوستی همراه با وفاداری در غم و شادی را تجربه کنند، قدمهای عملی را انجام بدهند.

- ۱- هر روز برای وجود دوستانتان شکرگزاری کنید و به نام برای آنها و برای رابطه دوستی که با آنها دارید دعا کنید.
- ۲- با نگاه کردن به وفاداری که خدا نسبت به ما دارد، شما نیز در سختی ها در کنار دوستان وفادارانه بایستید.
- ۳- در طی هفته آینده با دوستان تماس بگیرید و به او بگویید که به طور خاص برای رابطه خودتان با او دعا کردید و تصمیم گرفته اید مانند یوناتان دوستی وفادار در غم و شادی برای او باشید. سپس میتوانید با هم برای آغاز فصلی جدید در دوستیتان دعا کنید.

۴- کتاب روت باب اول آیات ۱ تا ۱۸ را مطالعه کنید و با تعمق بر روی متن، رابطه ای بین تعلیمی که امروز گرفته اید با متن ذکر شده پیدا کنید و به طور مختصر در مورد آن توضیح دهید و حتما برای جلسه آینده با خود به همراه داشته باشید.

از نوجوانان بخواهید که در مورد تعلیم داده شده تعمق کنند. هر شخص ایه یا کلامی که از متن گفته شده و خداوند از طریق آن با قلب او صحبت کرده را با دوستانش به اشتراک بگذارد. تا باعث برکت برای همه آنها شود و بهترین جمله طلایی انتخاب شود و توسط نوجوانان و مربیان و همینطور پیچ اینستاگرام کلیسا استوری گردد.

- پدر جان محبت تو
- تا ابد او نیکو است تا ابد وفادار است او

بازی حدس زدن ضرب المثل (برای کلاس حضوری)

در این بازی نوجوانان را به دو گروه تقسیم کنید، از قبل بر روی کاغذ تعدادی ضرب المثل بنویسید و آنها را تا کرده و در یه ظرف قرار دهید. هر تیم به نوبت یکی از کاغذها را برمی دارد. بعد از آن باید بدون اشاره مستقیم به متن داخل کاغذ، نقاشی آن را روی کاغذ یا تخته بکشد، هم تیمی های او بر اساس نقاشی باید حدس بزنند که ضرب المثل چیست؟ هر تیمی که بیشترین حدس های درست را داشته باشد برنده است.

نکته: کسی که در حال نقاشی کشیدن است به هیچ وجه اجازه صحبت با هم تیمی هایش را ندارد (درست مانند بازی پانتومیم) و اگر آنها حدسی بزنند فقط اجازه دارد تایید یا رد کند.

به هر نفری که نقاشی میکشد میتوانید یک دقیقه زمان بدهید.

بازی حدس زدن ضرب المثل (برای کلاس آنلاین)

در کلاس آنلاین بازی به صورت انفرادی انجام میشود. مربی باید از طریق قسمت خصوصی چت برای همه نوجوانان جداگانه یک یا چند ضرب المثل متفاوت را بفرستد سپس به همه آنها متناسب با تعداد ضرب المثل ها زمان بدهد تا همه بتوانند نقاشی مربوط به ضرب المثل خودشان را بکشند. سپس به ترتیب شروع به نشان دادن نقاشی های خودشان بکنند. نوجوانی که درست حدس بزند ۲ امتیاز و نوجوانی که نقاشی او درست حدس زده شود ۱ امتیاز میگیرد. کسی که بیشترین امتیاز را بگیرد برنده بازی خواهد بود.

توجه : ضرب المثلها در صفحه آخر ضمیمه شده است

نوجوانان را به انجام قدم عملی ذکر شده تشویق کنید و یک نفر را از میان ایشان انتخاب نمایید که مطالب گفته شده در این جلسه را در حد ۵ دقیقه خلاصه کند و در ابتدای جلسه بعدی برای نوجوانان، مانند یک معلم توضیح دهد.

ضرب المثلها:

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا
 دوستی خاله خرسه
 هرچه از دوست می رسد، نیکوست
 دوست آن باشد که گیرد دست دوست، در پریشان حالی و درماندگی
 به عالمی نفروشیم مویی از سر دوست
 آب در هاون کوبیدن: کاربیهوده انجام دادن
 آش کشک خاله ات است، بخوری پاته نخوری پاته: این کار را باید انجام دهی چه دلت بخواهد چه دلت نخواهد
 آش دهانسوزی نیست: بسیار مطلوب و محبوب نیست
 آتیش بیار معرکه: کسی که دو بهم زنی می کند
 آتیش زده به مالش: هر چی داشته بخشیده
 آب از دستش نمی چکد: خیرش به کسی نمی رسد
 آفتاب عمرش لب بومه: چیزی به مرگش نمانده
 آسمون همه جاش یه رنگه: هر جا که باشی وضع همینه
 از این ستون به آن ستون فرجی است: گذشت زمان ممکن است برای حل مشکل تو مؤثر واقع شود.
 با زبان خوش مار را از سوراخ بیرون می کشد: باچرب زبانی کارهای خویش را پیش می برد.
 بزک نمیر بهار میاد، خربزه با خیار می یاد: به کسی و عده های دور و دراز دادن.
 بادمجان بم آفت نداره: مقاومت داشتن در برابر سختی ها.
 با یک گل بهار نمیشه: با یک شخص درستکار دنیا درست نمی شود.
 با یک من عسل هم نمی شود خوردش: بد اخلاق بودن
 پولش از پارو بالا می ره: ثروت زیادی دارد.
 پشت دست را داغ کردن: تصمیم به انجام ندادن کاری گرفتن
 پایان شب سیه سپید است: از پی هر گریه آخر خنده ای است.
 توبه گرگ مرگ است: کسی که دست از عادتش بر نداره.
 تا تنور گرم است نان را بچسبان: کاملاً از فرصت استفاده کردن.
 تیرش به سنگ می خوره: به هدفش نمی رسه.
 تیر توی تاریکی انداختن: با چشم بسته کاری رو انجام دادن.
 جا تره و بچه نیست: چیزی وجود ندارد.
 حساب حساب، کاکا برادر
 حرف راست را باید از بچه شنید: صحبتی را که کودک می گوید، صحیح است.
 ریگ تو کفششه: نقشه بدی در فکر داشتن
 رو که نیست سنگ پای قزوینه: پر رو بودن
 رفتم ثواب کنم کیاب شدم: در برابر خوبی، بدی دیدم.
 راه باز است و جاده دراز: کسی برای رفتن مانع نمی شود.